

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاشد تن من مباد  
بدین بوم ویر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم  
از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

ملک الشعراء

استاد محمد نسیم "اسیر"

۱۵ جنوری ۲۰۱۵

## مولا علی!!

دوست صافدلی که ذوق شعری داشت و از سبک کلاسیک عروضی پیروی میکرد، صادقانه اظهار میکرد که شاعران کلاسیک سرای امروزی، آنچه میسرایند، تکرار مکررات است، چون آنچه در فنون ادب شایسته شعر، به مفهوم اصلی آنست - از قبیل وزن، قافیه، ردیف، تشبیه، استعاره، سجع، مراعات نظیر، جناس، تضاد و و... - توسط شعرای بنام متقدم، ایجاد و به وجه احسن گفته شده است، ما گویندگان متاخر جز پیروی از آن شیوه ها کار بخصوصی نکرده ایم. اما من خود به این باور نیستم، زیرا در گویندگان متاخر نیز، با ابداع سبک و شیوه های نو، ابتکارات خوبی دیده میشود. منظور ازین نوشته به مشاعره گذاشتن، رباعی براننده و معروف عبدالرحمان جامی در منقبت خلیفه چهارم، حضرت علی کرم الله وجهه است، که دوست گرانقدرم، شاعر وارسته جناب الحاج خلیل الله ناظم باختری به پیروی از آن یک رباعی سروده و با انتشار آن در صفحه ۱۱ جنوری پورتال وزین "افغانستان آزاد - آزاد افغانستان"، از دوستان، در ضمن ازین ارادتمند خواسته است، تا در عین موضوع و مفهوم، با سرودن یک رباعی طبع آزمائی کنم. من که به ندرت درین راه طبع آزمائی کرده ام، میخواستم به شیوه ای عذر بخواهم و از طرفی متوجه شدم که بزعم دوست عزیزم، تکرار مکررات خواهد بود اگر عین موضوع که حضرت جامی با زیبایی خاصی در یک رباعی گنجانده است، بدون توارد اداء شده بتواند. به نظر من ممتازترین دروهای منظوم، سروده حضرت مصلح الدین سعدی شیرازی به پیغمبر اسلام و عالیترین سروده در منقبت حضرت علی کرم الله وجهه همین رباعی بی بدیل جامی ست که می فرمایند:

بَلِّغِ الْعَلِيَّ بِكَمَالِهِ      كَشَفِ الدِّجَا بِجَمَالِهِ  
حَسُنْتَ جَمِيعَ خِصَالِهِ      صَلُّوا عَلَيْهِ وَآلِهِ

\*\*\*\*\*

گویند، که مرتضی علی در نجف است      در بلخ بیا ببین چه بیت الشرف است  
«جامی» نه عدن گوی، نه بین الجبلین      خُرشید یکی و نور او هر طرف است

من در برابر جزالت و متانت شعر حضرت جامی خود را خیلی ناتوان یافتم، اما نوشته و سروده  
یک روز بعدِ گرانقدرم خلیل جان معروفی، که ازین عاجز هم یاد فرموده بودند، بر آنم داشت، تا  
سری به طبع آزمائی شور بدهم، که اینک حاصل آن دو رباعی ست با عین مفهوم که از نظر  
گذشتانده میشود:

عشقی که به جز راه علی نیست هدف      پیچانده مرا به خویش، از چار طرف  
چون عاشق سرباخته، دل داده ز کف      گه سوی عدن رو کنم و گه به نجف

\*\*\*\*\*

تا من به در شاه نجف سر ماندم      با سجده شوق، آن طرف سر ماندم  
در بلخ شدم، شگفته نوری دیدم      بر درگه این "بیت الشرف" سر ماندم

(م. نسیم «اسیر» - فرانکفورت، ۱۳ جنوری ۲۰۱۵ ع)